

ILRPs Working Together to End Classism
By Dan Nickerson
.Freeport, Maine, USA

Farsi Translation
Vida Mozafarieh

اشخاص مرجع جهانی رها سازی
در کار همزمان برای پایان دادن به تبعیض طبقاتی
نوشته دان نیکرسون
فریپورت، مین، آمریکا.

ترجمه فارسی
ویدا مظفریه

اشخاص مرجع جهانی رهاسازی آرسی برای تبعیض طبقاتی، سه کارگاه در امریکای شمالی و اروپا رهبری کرده اند، بعلاوه دو کارگاه اضافه که دو سه نفر از ما هدایت کردند.

دان نیکرسون که شخص مرجع جهانی رهاسازی (ش م ج ر) برای مردم طبقه کارگر است رهبر اصلی بود. گوئن برون، (ش م ج ر) برای مردم فقیر، شان روت (ش م ج ر) برای مردم طبقه متوسط، جو ساندرز (ش م ج ر) برای مردم غنی، کلاس ها و گروه مردم را رهبری کردند.

سطوح زیر خلاصه ایست از آنچه ما آموختیم:

..از دید طبقه/کلاس زندگی خود را تعریف کردن نافع تر است تا اینکه سعی کنید ببینید به کدام کلاس یا طبقه ای متعلق هستید. جواب دادن به سؤال «رابطه شما با طبقه کارگر چیست؟» راه خوبی برای شروع است. جواب شما میتواند شامل توانایی و قدرت زمینه کلاس/ طبقه شما، «صدای عوضی در سر شما (الگوی آزردگی) از کودکی شما»، و یک فاکتور دیگر یا تجربه دیگر شما از طبقه/ کلاس باشد.

..مردم اکثریت دنیا (سیاه و رنگین پوستان) و مردم بومی و دیگر گروه های کلیدی میبایست تمام وقت در مرکز کارگاه باشند. این زیر- گروه های- طبقاتی سلطه، ما را بر علیه یکدیگر شورانده نمیگذارند سیستم طبقاتی را پایان دهیم.

..کارگران سازنده (که «اکنون کار طبقه کارگر را انجام می دهند») کمتر از ده در صد جمعیت

جامعه آرسی هستند. در اینجا بیشتر جمعیت غنی هستند تا کارگر سازنده (که بیشترین جمعیت کارگران دنیا را تشکیل می‌دهند). بدلیل اینکه نود درصد آرسی کنندگان کارگر سازنده یا فقیر نبوده اند، برایشان تخلیه و کار روی تبعیض طبقاتی، یعنی کار روی آزدگی های سلطه گر دشوار بود.

..تبعیض طبقاتی، احساس "تعلق داشتن" یا "تعلق نداشتن" را روی همه ما پیاده میکند و زمانیکه اینکار را انجام می‌دهیم، این احساس بالا می‌آید. ولی این احساسات به این کار ربط ندارد — پرندگان تعلق دارند، ماهیان تعلق دارند، سنگ ها تعلق دارند، گلها تعلق دارند، شما تعلق دارید. احساس تعلق نداشتن یک آزدگی است که روی شما تحمیل شده است.

..در یک جامعه طبقاتی ما همگی تشویق شده سعی داریم بطرف بالا صعود کنیم، بالاتر برویم، مقام و ثروت ما افزایش پیدا کند و «موفق» باشیم. ولی بالا رفتن و صعود، گران تمام می‌شود. این بهای گران عبارت است از خانواده، فرهنگ، زبان، هویت، با همه انسان‌ها ارتباط داشتن، صداقت، و معنی در زندگی. این ارزش شامل اینها هم می‌شود: ادغام و همسان سازی، احساس «تعلق نداشتن»، اعتیاد به مصرف و طرز زندگی غیر قابل تحمل و ناسالم از نظر محیط زیست. بیشتر آرسی کنندگان حرکت به سمت بالا را انتخاب میکنند یا مجبور به آن می‌شوند و بیشتر ما در مقایسه با معیار جهانی غنی هستیم و از مردم فقیر و کارگر جدا هستیم.

..هدف جدید برای پایان دادن به تبعض طبقاتی (مراجعه به رهنمود ۲۰۱۷ برای جوامع آرسی) اتخاذ شده در کنفرانس جهانی ۲۰۱۷، طرح شده برای اینکه «کار طبقاتی»، ما را دور کند از «هویت» — «من به کجا تعلق دارم» «من از چه کلاس و طبقه ای هستم؟» — و برای اینکه از قید و بند هایی که جامعه طبقاتی برایمان تعیین کرده آزاد شویم، در ادامه بعضی از این نقش ها می‌باشد:

طبقه غنی: برای ذخیره دارایی ها میبایست کنترل نهاد های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در دست گیرد.

طبقه متوسط: میبایست تسهیل کننده یا اجرا کننده "حرکت دارایی" از کسانی که با کارشان آنرا می‌سازند (کارگر سازنده) بطرف کسانی که آنرا ذخیره مینمایند (طبقه غنی) باشد. طبقه کارگر: دارایی می‌سازد و آنرا به طبیعت-سلطه گرانه غیر منطقی کارش تسلیم میکند.

مردم فقیر: این مردم را بعنوان مثال تشبیه میکنند با کسانی که برای ادامه جامعه طبقاتی و نقش تعیین شده شان در آن نکوشیده اند. وجود مردمان فقیر، برای نتوانستن و شکست ما و برای رشد نکردن در سیستم ناکارآمد، بعنوان مثال بکار می‌رود. در ضمن فقر مطمئن می‌سازد که همیشه کارگر ارزان وجود دارد.

مردم همه طبقات میبایست سعی کنند که از قید و نقش های تعیین شده در بالا رها گردند. ما

میبایست صدای خود را پیدا کرده یک تفهیم صحیح را از جامعه طبقاتی و احتیاج به پایان دادن آنرا طرح و اطلاع رسانی کنیم.

..نهضت اتحادیه، مردم کارگر را درباره وضعیت و طبیعت سلطه آنها و طبیعت جامعه طبقاتی آموزش داد، از جمله ناکارآمد بودن آن، و برای کارگران توضیح و اطلاع رسانی کرد. تعرض مخصوصاً برضد سامی گرایی، ذات و مقصود سلطه طبقاتی است. برای اینکه نتوانیم درباره تبعیض طبقاتی حرف بزنیم، لغاتی که برضد سلطه طبقاتی بکار رفته مانند «کمونیسم» «سوسیالیسم» و «موکراسی» عمداً در میان عموم مردم تحریف و مخدوش شده، و برایشان معنی درستی ندارد. ما میبایست صدا و کلمات خود را بیابیم و به مردم کمک کنیم که ناکارآمد بودن اقتصاد فعلی را بفهمند — ما میتوانیم کار اولیه و اصلی اتحادیه هارا از سر گیریم که شامل آگاه سازی و سازماندهی بر علیه سلطه طبقاتی/ کلاس است.